

پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
ماه‌نامه علمی (مقاله علمی - پژوهشی)، سال بیستم، شماره هشتم، آبان ۱۳۹۹، ۳۷-۵۵

## بررسی و نقد کتاب

### *Versification française et genres poétiques*

#### (انواع شعر فرانسه)

هادی دولت‌آبادی\*

#### چکیده

کتاب انواع شعر فرانسه اثر مؤلفین شهناز شاهین و مهوش قویمی، چاپ انتشارات دانشگاهی سمت در سال ۱۳۷۹ به چاپ رسیده و در سال ۱۳۸۳ مورد بازبینی و ویرایش قرار گرفته است. این کتاب که با مخاطب دانشگاهی و به منظور تدریس در دوره کارشناسی و کارشناسی ارشد ادبیات فرانسه طراحی شده است علی‌رغم برخورداری از نگارشی واضح و گویا کاستی‌هایی نیز دارد. هدف این نوشته بررسی نگارش و نحوه ارائه مطالب این کتاب بوده است و در آن به برخی از کاستی‌ها که عمدتاً به نوع ترتیب‌بندی مطالب در درون فصل‌های کتاب، نظام ارجاع‌دهی به آثار استفاده شده و مثال‌های ارائه شده از نقطه‌نظر ساختاری و محتوایی به تأکید بیش از اندازه بر صورت شعری فرانسه و عدم معرفی جامع شعرای فرانسوی و آثار تأثیرگذار آنان مربوط می‌شود اشاره می‌شود.

**کلیدواژه‌ها:** نقد، شعر فرانسه، ادبیات فرانسه، صورت، محتوا، مهوش قویمی، شهناز شاهین.

---

\* استادیار مطالعات فرانسه، عضو هیئت علمی دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول)،  
hadi.dolatabadi@ut.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۸/۰۲، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۴/۲۱

Copyright © 2018, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose

## ۱. مقدمه

نقد کتاب و آثار نویسندگان با هدف ایجاد پویایی در محافل علمی، ادبی و دانشگاهی انجام می‌گیرد و در صورت بی‌طرفی و سازنده بودن می‌تواند منجر به پیشرفت، انجام گفتگو میان متخصصین و بهبود کارآیی شود. در حوزه کتاب دانشگاهی این امر می‌تواند به رفع کاستی‌ها و نگارش آثار کامل‌تر نیز بیانجامد. شعر فرانسه بخش مهمی از ادبیات غنی فرانسوی است که شناخت آن نه تنها برای دانشجویان ادبیات فرانسه از اهمیت بالایی برخوردار است، بلکه برای دیگر علاقه‌مندان به ادبیات به صورت عام و ادبیات فرانسه به صورت خاص نیز جذابیت بالایی دارد و مطالعه آن به درک غنای این ادبیات کمک می‌کند. از سویی مطالعه آثار شعرای بزرگ و مشهور فرانسوی نظیر بوالو (Boileau)، هوگو (Hugo) و لامارتین (La Martine) و شعرای مدرن‌تر مانند آراگون (Aragon)، الوار (Éluard)، آرتو (Artaud)، پره ور (Prévert) زیبایی شعر فرانسه را آشکار می‌کند. در باب اهمیت شعر در ادبیات فرانسه همین بس که اولین آثار ادبی به زبان فرانسه به شکل شعری یافت می‌شوند. اثر ترانه‌رولان (Roland Chanson de) که به قرن ۱۲ بازمی‌گردد از مثال‌های این آثار است که از آن به عنوان یکی از طلعه‌های ادبیات فرانسه یاد می‌شود.

کتاب *poétiques genres et aiseçfran Versification* (انواع شعر فرانسه)، نوشته شهناز شاهین و مهوش قویمی، چاپ انتشارات دانشگاهی سمت در سال ۱۳۷۹ کتابی درسی است که به گفته نویسندگان با هدف پاسخ به نیاز دانشجویان در دوره آموزشی کارشناسی زبان و ادبیات فرانسه برای درس «انواع شعر فرانسه» و دانشجویان دوره کارشناسی ارشد رشته ادبیات فرانسه برای درس «شعر قرن ۱۹» و «شعر قرن ۲۰» جهت تدریس در دانشگاه‌های کشور ارائه شده است. بدین ترتیب این کتاب با تمرکز بر بخش مهمی از ادبیات فرانسه در راستای شناخت بهتر از شعر فرانسه در اختیار مخاطب قرار می‌گیرد. علی‌رغم وجود آثار و کتاب‌های درسی در خصوص تاریخ ادبیات فرانسه به طور کلی که در آن‌ها به شعرای فرانسوی و آثار آن‌ها پرداخته می‌شود، با توجه به اهمیت بررسی ویژه این بخش از ادبیات، چنین کتابی نیز پیش‌بینی شده است؛ که البته باید گفت این کتاب پاسخی به نیاز موجود به واسطه وجود درس شعر فرانسه به عنوان سرفصل درسی در برنامه دانشگاهی رشته زبان و ادبیات فرانسه است، همانطور که شاهد انتشار کتاب دانشگاهی *France en éatréTh* نیز در راستای وجود درس تئاتر در فرانسه هستیم.

در خصوص نقد یک اثر نباید فراموش کرد که هدف ایجاد پویایی در محیط علمی و نشر است و نگارش یک نقد که منصفانه و به دور از ملاحظات شخصی و جانبدارانه باشد قطعاً از سوی نویسندگان آثار مورد استقبال قرار خواهد گرفت و می‌تواند آن‌ها را به تلاش برای پاسخ به نقد در قالب نوشته و یا انتشار ویرایشی جدید از اثر و حتی نگارش اثری به روزتر با مطالب جدید رهنمون کند. رونق چنین رویکردی در زمینه کتاب‌های درسی که دائماً با روش‌های نوین آموزشی در ارتباط هستند نیز می‌تواند به پویایی علم در جامعه دانشگاهی، تلاش جهت تقویت کارآمدی آثار و افزایش بازده آن‌ها نزد دانشجویان که مخاطبین اصلی این آثار هستند منجر شود. نباید فراموش کرد که مؤلفین این کتاب از اساتید دانشگاهی ادبیات فرانسه ایران هستند و در شخصیت علمی آنان تردیدی نیست. اما با توجه به اهمیت مقوله نقد سازنده در راستای افزایش کیفیت آثار علمی، به خصوص زمانی که در مورد متون درسی که در اختیار دانشجویان دانشگاه‌ها قرار می‌گیرند باشد، نگارنده این سطور به بررسی این اثر روی آورده است. از سوی دیگر با توجه به اینکه این کتاب از نزدیک به ۱۵ سال پیش مورد تجدید نظر و ویرایش قرار نگرفته است، امید است نگاهی انتقادی به آن بتواند این مؤلفین یا دیگر استادان و پژوهشگران عرصه ادبیات فرانسه را به سوی ارائه اثری نو در این زمینه پراهمیت از ادبیات فرانسه سوق دهد.

برای پی بردن به اهمیت حوزه شعر در فرانسه، پیش از پرداختن به اثر مورد مطالعه در این نوشته، به نگاهی گذرا بر مکاتب و چهره‌های نامدار این عرصه از ادبیات فرانسه می‌پردازیم.

جنبش‌های ادبی در فرانسه با دوره نوزایی (Renaissance) کم‌کم آغاز می‌شوند. پس از دوره نوزایی در فرانسه گروه لاپلئید (Pléiade La) تشکیل شده از هفت شاعر فرانسوی در قرن ۱۶ میلادی با الهام گرفتن از شعرای لاتین قصد داشتند برای ادبیات فرانسه افتخار بیافرینند. آن‌ها با تقلید از آثار دوران باستان و ایجاد کلمات جدید در زبان فرانسه در پی معرفی شعر فرانسه به جایگزینی ملی برای اشعار گذشتگان بودند (Viala, ۲۰۱۴: ۲۵۸). نوع شعری این دوره شعر غنایی بود که موضوع اشعار آنان با اشاره به معشوق، گذر زمان و حسرت آن و زیبایی طبیعت گره خورده بود. از مهمترین این شعرا می‌توان به پیر رونسار (Ronsard Pierre) و ژواشن دوبله (Joachim de Bellay) اشاره کرد. در دوران ادبیات کلاسیک، به لطف ملرب (Malherbe) شعر فرانسه دارای چارچوب شد بدین ترتیب که وی را نخستین نظریه‌پرداز هنر کلاسیک می‌دانند (Rousselot, ۱۹۹۶: ۴۲). در دوران

کلاسیسیسم شعر از سوی لافونتن (Fontaine La) به ابزاری برای حکایت افسانه (*Les Fables*) نیز تبدیل شد و در آن این شاعر به پند و درس اخلاقی روی می‌آورد. مولیر هم در این عصر از نوع شعری در برخی از آثار کمدی خود استفاده کرد و از سوی برخی به عنوان بهترین نمونه از استفاده شعر در کمدی از وی یاد می‌شود (Moore, ۱۹۶۴: ۲۴۹). ادبیات فرانسه در قرن ۱۸ به جز ولتر (Voltaire) نام بزرگ دیگری در عرصه شعر بر خود ندید، اما در قرن ۱۹ با آغاز دوره رمانتسیم شعر به یکی از ابزار اصلی ادیبان این مکتب تبدیل شد. چهره‌هایی چون لامارتین (Martine La)، موسه (Musset)، وینی (Vigny)، نروال (Nerval) و البته ویکتور هوگو شعری بودند که اوج شعر غنایی مکتب رمانتسیم را رقم زدند. شعرای رمانتسیم چندان به نوع شعری و قواعد آن پایبندی نداشتند و اصل بیان احساسات را به عنوان هدف اصلی شعری برگزیده بودند و گاه ایجاد شعرغنایی در ساختار مصرع هجایی (*syllabique vers*) دیده می‌شود (Vaillant, ۲۰۰۸: ۵۳). در مقابل این نوع سرایش شعری و در واکنش به آن، جنبش پاراناس (Parnasse) شکل گرفت. این جنبش که چهره اصلی آن لوکونت دولیل (Leconte de Lisle) و میراث‌دار اندیشه تئوفیل دو گوتیه (Thophile de Ét) (Gautier) بود، خود را طرفدار نظریه «هنر برای هنر» (*l'art pour l'art*) معرفی کرد و شعرای آن با هدف تأکید بر رعایت ساختار شعری و اولویت هنر بر محتوای شعری به سرودن شعر پرداختند (Rousselot, ۱۹۹۶: ۸۲). نیمه دوم قرن ۱۹ با شعرایی همچون بودلر (Baudelaire) که رئالیسم را در شعر وارد و جایگاهی برای شعر به نثر (*prose en poème*) در ادبیات فرانسه ایجاد کرد از سویی، و از سوی دیگر شعرای نفرین شده (*maudits poètes*) مانند ورلن (Verlaine) و رمبو (Rimbaud) کم کم راه را برای تحولات شعری پایان قرن ۱۹ و ابتدای قرن ۲۰ آماده کرد و جنبش سمبولیسم را در ادبیات فرانسه تحت تأثیر شعرای ذکر شده و چهره‌های دیگری نظیر مالارمه (Mallarmé)، پل والری (Valéry Paul) و گیوم آپولینر (Apollinaire Guillaume) وارد کرد (Rousselot, ۱۹۹۶: ۹۹-۱۰۱). نیمه اول قرن ۲۰ پذیرای جنبش ادبی دیگری نیز بود که غوغایی در ادبیات و هنر به پا کرد. شعرای سوررئالیسم نظیر آندره بروتون (Breton André)، پل الوار (Éluard Paul) و لویی آراگون (Aragon Louis) با آزادسازی ناخودآگاه خود به نوشتار خودکار (*automatique écriture*) روی آوردند، هر چند برای سرودن اشعار متعهد در دوران اشغال فرانسه در بازه جنگ جهانی دوم گاه از این نوع فاصله گرفتند (Reynaud-Paligot, ۲۰۰۷: ۳۵۴). پس از سوررئالیسم جنبش دیگری در حوزه شعر ادبیات فرانسه دیده نمی‌شود جز اشعار با شکل

آزاد (libre Vers) که از قرن ۱۹ ظاهر شده بودند. از مشهورترین شعرای این دوره باید به ژاک پره ور (Prévert Jacques) اشاره کرد که اشعار با موضوعات روزمره‌اش گاه توسط خوانندگانی به صورت ترانه اجرا و محبوب شده‌اند. از شعرای معاصر و نیمه دوم قرن بیستم می‌توانیم به چهره‌هایی نظیر کونو (Queneau)، ژاکوته (Jaccottet)، بونفوا (Bonnefoy)، اوکار (Hocquart) و گوفت (Goffette) اشاره کرد.

در این اشاره گذرا به تاریخچه مکاتب و جنبش‌های شعر فرانسه مشاهده شد که نام چهره‌های سرشناسی در حوزه شعر در ادبیات فرانسه به چشم می‌خورد و این خود بیانگر اهمیت این نوع آفرینش ادبی در ادبیات فرانسه است. بدین ترتیب، اختصاص دادن کتابی به آشنایی مفصل با شعر فرانسه در برنامه‌های تحصیلی دانشگاهی زبان فرانسه در گرایش ادبیات از لزومات این حوزه جلوه می‌نماید؛ این امر فرصتی برای دانشجویان خواهد بود تا با تمرکز خاص بر این حوزه بتوانند آشنایی بیشتری با آن کسب کنند.

## ۲. بررسی شکل کتاب

کتاب انواع شعر فرانسه در ۲۳۵ صفحه، مشتمل بر پیشگفتار، مقدمه، ده فصل، متون اضافی، ضمیمه، واژگان، کتابنامه و نمایه، در قطع وزیری، در انتشارات سمت به چاپ رسیده است. روی جلد این کتاب به سان کتاب‌های درسی دیگر منتشر شده در انتشارات سمت، علامت این انتشارات و مانند آثار دیگر این انتشارات به زبان فرانسوی عنوان آن به این زبان با درج مخفف آن به حروف لاتین (SAMT) درج شده است. از آنجایی که عنوان این انتشارات به زبان فرانسه هیچ سنخیتی با حروف SAMT ندارد و حتی حروف اول تشکیل دهنده نام فارسی آن نیز منطبق بر این حروف نیستند این انتشارات می‌بایست در معرفی عنوان خود به زبان فرانسوی تجدید نظر کند. بر روی جلد علاوه بر عنوان کتاب نام دو مؤلف کتاب نیز دیده می‌شود و با توجه به سیاست پیشین یکدست بودن جلد کتاب‌های منتشره این سازمان، طرح خاصی القاکننده ارتباط این اثر با زبان فرانسوی یا نوع ادبی شعر بر روی جلد نقش نبسته است. البته به نظر می‌رسد در سال‌های اخیر به این امر اهمیت تازه‌ای داده شده است و در آخرین چاپ این کتاب (۱۳۹۳) به این امر توجه ویژه‌ای شده است و روی جلد جذابیت بیشتری نسبت به چاپ‌های پیش یافته است.

اولین نکته ای که نظر خواننده این کتاب را جلب می‌کند عدم مطابقت عنوان فرانسوی کتاب (*poétiques genres et aiseç fran Versification*) با عنوان فارسی (*انواع شعر فرانسه*)

است. از سوی دیگر در شناسنامه کتاب عنوان فارسی به صورت *انواع شعر فرانسه (از آغاز تا شکوفایی شعر نو)* ذکر شده است که اشاره به بخش تاریخی عنوان در عبارت فرانسوی به چشم نمی‌خورد. شاید عنوان فارسی اثر را بتوان «قواعد و انواع شعر فرانسوی» گذاشت تا در خصوص محتوای کتاب گویاتر باشد. در یادداشت انتقادی<sup>۱</sup> که در گذشته در گروه زبان‌شناسی و زبان‌ها در شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی در خصوص این اثر نگاشته شده است، پژوهشگر منتقد عنوان «صناعات شعری و انواع شعر در زبان فرانسه» را پیشنهاد کرده است که در این مورد می‌توان گفت عنوان پیشنهاد شده از جابجایی کلمات عنوان کتاب دیگری به نام *انواع شعر و صناعات شعری در زبان فرانسه* نوشته ژاله کهنمویی پور و سید ضیال‌الدین دهشیری در سال ۱۳۷۲ به دست آمده است که به زبان فارسی منتشر شده است. بدین ترتیب منتقد با عاریه گرفتن این عنوان به نوعی عملاً در پی پیشنهاد بدیعی برنیامده است، هرچند اگر بر آن باشیم معادل‌یابی صحیحی از عنوان به دست آوریم می‌توان گزینه «شعرسرایی فرانسوی و انواع شعری» را نیز مطرح کنیم.

کتابی که نگارنده این سطور به آن مراجعه کرده است ویرایش دوم کتاب مورد مطالعه است، اما به این نکته بر روی جلد کتاب اشاره نشده است و تنها با توجه به تاریخ چاپ درج شده در اولین صفحه پس از جلد که سال ۱۳۸۳ و با مراجعه «پیشگفتار ویرایش دوم» در صفحه ۹ (IX)، این امر مشخص می‌شود. در این قسمت اشاره به تصحیح برخی اشتباهات و اضافه شدن متون اضافی به کتاب شده است تا کار با این کتاب را برای اساتید راحت‌تر کند. مؤلفین بیان کرده‌اند که متون اضافی که جایی در چاپ اول اثر نیافته بوده‌اند با قرار گرفتن در ترتیب زمانی اجازه آشنایی با تحول شعری را به خواننده می‌دهند.

## ۱.۲ مشکل ارجاعات ناهمگن

در مثال‌های ارائه شده در این اثر که متعدد هستند نویسندگان از روش واحدی در ارجاع‌دهی استفاده نکرده‌اند؛ بدین ترتیب که گاه تنها به ذکر نام شاعر اکتفا کرده‌اند و نیازی به ارائه نام کتاب مرجع ندیده‌اند. گاه نام کتاب را ذکر کرده‌اند اما به نام خود شعر اشاره‌ای نکرده‌اند. این امر خوانندگان علاقه‌مند به مراجعه به ادامه متن اشعار را با سردرگمی مواجه خواهد ساخت و در صورتی که امکان جستجوی اینترنتی و یافتن منبع اصلی فراهم نباشد،

عملاً دسترسی به منبع اصلی و خواندن ادامه اشعار غیرممکن می‌نماید. این ناهمگنی حتی در دل یک فصل نیز دیده می‌شود:

- به عنوان مثال در فصل دو، با اشاره به شعر پل ورنلن در صفحه ۲۲ و آلفرد دوموسه در صفحه ۱۷ نام آثار آنها در پایان مثال‌ها ذکر می‌شود، در صورتی که در همین فصل پس از ارائه مثال‌هایی از هوگو، لامارتین، الوار، والرئ و... در صفحات ۲۳ و ۲۴ تنها اسم این شعرا ذکر شده است. از سوی دیگر در فصل چهارم در صفحه ۴۳ به نوعی از ارجاع برمی‌خوریم که به صورت اشتباه استفاده شده است. مؤلفین پس از ذکر نام هوگو برای یک مثال، مثال دومی از وی ارائه می‌کنند و ارجاع آن را به شیوه *(ibid, les Contemplations)* ذکر می‌کنند. اما باید توجه داشت که اصطلاح لاتین *ibid* که در ارجاعات مورد استفاده قرار می‌گیرد به معنای «در همان محل» است، اما مؤلفین آن را در معنای «همان نویسنده» مورد استفاده قرار داده‌اند، چرا که در این ارجاع نام اثر به ایتالیک ذکر شده است و به جای نام نویسنده عبارت *ibid* به چشم می‌خورد.

- در همین فصل در صفحه ۵۳ باز هم نوع دیگری از ارجاع می‌یابیم: پس از ارائه مثالی از ژان کوال (Jean Queval) با ارجاعی به شکل (oulipe III, 2, p. 259) روبرو می‌شویم که بر خلاف بسیاری از مثال‌های ارائه شده با نام اثر، بخش و صفحه مربوطه آشنا می‌شویم. در خصوص همین مثال مؤلفین در پاورقی در ارجاعی به اثر مورد استفاده خود ذکر می‌کنند که این مثال از کتاب *L'atelier d'écriture* برداشته شده است؛ اما در همین پاورقی هم ارجاع به صورت صحیح ذکر نشده است. بدین ترتیب که نام نویسنده این اثر و شهر محل انتشار در این نوع ارجاع دهی باید ذکر شوند که این امر توسط نویسندگان رعایت نشده است.

- در صفحه ۵۵ نیز ارجاعی در پاورقی به صورت *Versification par Pierre Guiraud, p. 115* می‌بینیم. در این ارجاع نام نگارنده اثر پس از کلمه *par* ذکر شده است که به دلیل مستقیم بودن ارجاع، این نوع استفاده صحیح نمی‌باشد.

با توجه به موارد ذکر شده و ناهمگن بودن انواع ارجاعات اهمیت اصلاح چنین مواردی در ویرایش بعدی این اثر یا در صورت عدم انجام این امر به صورت ضمیمه کردن غلط‌نامه‌ای در چاپ‌های بعدی بسیار احساس می‌شود. چرا که وجود چنین کاستی‌هایی در کتابی درسی که علاوه بر دوره کارشناسی، برای تدریس در دوره تحصیلات تکمیلی،

کارشناسی ارشد ادبیات فرانسه، نیز پیشنهاد شده است، برای دانشجویانی که می‌بایست این دوره را با نگارش پایان‌نامه‌ای با رعایت قوانین نگارشی و ارجاع به اتمام برسانند مثالی نامناسب از رعایت قوانین نگارشی در پژوهش است.

## ۲.۲ عدم وجود زیرفصل‌های همگن

یکی از مواردی که استفاده از این اثر را با کمی دشواری مواجه می‌سازد عدم وجود زیرفصل‌های همگن است، بدین ترتیب که در برخی از فصل‌ها زیرفصل‌ها بدون شماره گذاری، در برخی با حروف بزرگ، برخی با حروف کوچک و برخی با اعداد مشخص شده‌اند. بدین ترتیب در فصول ابتدایی نظم خاصی در ترتیب‌دهی به عنوان‌ها به چشم نمی‌خورد، در حالیکه از فصل هشت تا ده شماره‌گذاری منظمی مورد استفاده قرار گرفته است.

به عنوان مثال در ابتدای فصل هفتم این کتاب در صفحه ۸۵ به سه مورد از تصویرهای ادبی موجود در گفتار اشاره می‌شود که مختص شعر نیستند و با ذکر حروف A, B, C بدون اینکه در عنوان‌ها مجدداً ذکر شوند پرداخته می‌شود. از آنجایی که این فصل زیرعنوان‌های زیادی دارد از حروف لاتین کوچک و اعداد برای نشان دادن آن‌ها استفاده شده است، اما به دلیل اینکه به عنوان مثال به صورت ۱.a قرار نگرفته‌اند، مخاطب گاه مجبور می‌شود به صفحات قبل رجوع کند تا متوجه شود اعداد مربوط به کدام حرف کوچک هستند.

بدین ترتیب مشاهده می‌شود در خصوص شکل کتاب جای کار برای اصلاحات عدیده‌ای در ویرایش‌های احتمالی کتاب بسیار وجود دارد. این بازبینی علی‌الخصوص در زمینه ارجاع‌دهی به آثار نویسندگان مورد استفاده می‌بایست حتماً لحاظ شود تا چنین کتابی درسی که اثر اساتید دانشگاه است بتواند نمونه صحیحی از ارجاعات را به دانشجویان مخاطب اثر ارائه کند. مولفین همچنین می‌بایست در خصوص همگن سازی و منظم کردن زیرفصل‌ها و عناوین از شیوه واحدی استفاده کنند تا مخاطبین بتوانند بخش‌های مختلف کتاب را به خوبی دنبال و از مطالب آن استفاده کنند.



### ۳. بررسی محتوای کتاب

در این بخش بررسی محتوای کتاب را ابتدا به صورت هماهنگ با فصل‌های کتاب پیش می‌بریم و سپس به بیان ملاحظاتی کلی که در جای جای اثر به آن برخورده‌ایم نیز خواهیم پرداخت.

در ابتدای کتاب و قبل از پیشگفتار در صفحه ۸ (VIII) اثر دو نقل قول مرتبط با شعر ذکر شده‌اند که به صورت کلی به شعر اشاره کرده و اشاره خاصی به ادبیات یا شعر فرانسوی نکرده‌اند. این نقل قول‌ها که از نویسندگان نه چندان شناخته شده‌ای انتخاب شده‌اند به سختی می‌توانند بیانگر طبیعت و ورود به دنیای شعر فرانسوی باشند.

در پیشگفتار اثر هدف مؤلفین «ارائه کتابی نسبتاً کامل برای کمک به دانشجویان برای اینکه نیازی به مراجعه به جزوات خارجی که به سختی می‌یابند و یا کاملاً با نیاز، سطح و فرهنگ آن‌ها سازگاری ندارند نداشته باشند» ذکر شده است و در آن به بیان نوع چارچوب بندی اثر پرداخته شده است. مؤلفین اذعان می‌دارند که این اثر نمی‌تواند وسعت شعر غنی فرانسه را دربرگیرد و بدین ترتیب اساتید دانشگاه که این درس را تدریس می‌کنند می‌توانند خود با توجه به طبع و احساس دانشجویان اشعاری را به عنوان مثال ارائه کنند.

### ۱.۳ مقدمه اثر، آغازی نافرجام

مقدمه اثر لغت «Versification» را به عنوان قوانین و فرآیندهایی که شاعر برای ساختن شعرهای منظم به کار می‌گیرد معرفی می‌کند و اشاره می‌کند که قوانین شعری فرانسه توسط ملرب (Malherbe) و بوالو (Boileau) تنظیم و به وسیله شعرای مکاتب کلاسیک و رمانتیسیم اعمال شده‌اند. حدود نیمی از مقدمه (۱۵ خط) به نقل قولی در زمینه نقش شاعر اختصاص داده شده است و نویسندگان بیان می‌دارند که مطالعه زبان شگفت‌انگیز و دارای استعاره شاعر و نیز فرآیندهای مورد استفاده وی هدف مطالعه این اثر است. در پایان مقدمه اشاره‌ای به تفاوت شعر فارسی و فرانسه می‌شود و مؤلفین بیان می‌دارند که برخلاف شعر فارسی که بر پایه طول هجاها بنا شده است، شعر فرانسه بر پایه تعداد و محل هجاهای تکیه‌بر استوار شده است. مقدمه بسیار کوتاه است (یک و نیم صفحه) و نشان دهنده غنای شعر فرانسه و اهمیت شناخت آن نیست. بدین ترتیب، در صورتی که فردی آشنایی کاملی

با ادبیات فرانسه نداشته باشد و بخواهد با مطالعه مقدمه این اثر خود را برای مطالعه شعر فرانسه آماده کند با دشواری مواجه خواهد شد و می‌بایست ابتدا با مراجعه به آثار دیگر شناختی در این زمینه پیدا کند. این امر اثر را کاملاً به کتابی درسی تبدیل کرده است؛ در صورتی که ممکن بود با افزودن مطالبی دیگر به مقدمه، آن را برای سایر علاقه‌مندان به شعر فرانسه در ایران، نظیر افرادی که در رشته مترجمی فرانسه تحصیل کرده‌اند یا افرادی که با مطالعات شخصی به این زبان علاقه‌مند شده‌اند، نیز مورد استفاده قرار داد. لزوم این امر شاید در کتاب‌های درسی رشته‌های فنی و علوم دیگر احساس نشود، اما کتابی دارای اطلاعاتی در خصوص ادبیات قطعاً مخاطبین دیگری به جز دانشجویان آن رشته خواهد داشت. با توجه به حجم مطالب اصلی کتاب که حدود ۱۹۰ صفحه است، ارائه مقدمه‌ای حداقل بین ۵ تا ۱۰ صفحه که در آن از اهمیت شعر فرانسوی و مسائل شعری و چهره‌های تأثیرگذار آن صحبت شود منطقی‌تر می‌نمود.

### ۲.۳ فصول اثر

بر خلاف آنچه در پیشگفتار در خصوص لزوم علاقه‌مند ساختن دانشجویان پیش از هر چیز بیان شده است (امری که می‌توانست در مقدمه‌ای طولانی‌تر با ارائه مثال‌ها و یا حداقل نام شعرا و عنوان اشعار معروف و نمادین آن‌ها انجام شود)، نویسندگان مطالب کتاب را در فصل اول با مبحث نسبتاً خشک هجاشماری (mètre) آغاز می‌کنند. نکته‌ای که در این بخش به چشم می‌خورد عدم شماره‌گذاری برای زیرفصل‌ها است و از سوی دیگر زیرفصل شمارش هجاهای قانون «e» بی صدا (syllabes des compte) به دو بخش ۱ و ۲ تقسیم می‌شود (ص ۵ و ۶).

فصل دوم اثر به انواع بیت/مصرع (vers) در شعر فرانسه می‌پردازد. طبقه بندی ارائه شده بر مبنای تعداد هجاهای هر بیت/مصرع (vers) پیشنهاد شده است. این فصل از دو زیر فصل «نام مصرع‌ها» و «تأثیرات ایجاد شده به وسیله طول مصرع‌ها» تشکیل شده است. در زیر فصل اول نویسندگان از تک‌هجایی تا ۱۲ هجایی به بررسی، ارائه مثال و اشاره به نوع موضوعی و عصر استفاده از این انواع مصرع پرداخته‌اند. یکی از ایراداتی که می‌توان به این فصل وارد دانست این امر است که عناوین به گونه‌ای یکنواخت انتخاب شده‌اند که برای خواننده جذابیتی ایجاد نمی‌کنند (مصرع دو هجایی یا دوهجایی (deux de Vers) و (dissyllabe ou syllabes)، سه هجایی یا سه هجایی (trisyllabe ou syllabes trois de Vers)...) و

تا پایان ۱۲ هجایی به همین ترتیب مورد اشاره قرار گرفته‌اند. این موارد می‌توانستند در قالب جدولی ارائه شوند و نیازی به معرفی تک‌تک این نوع مصرع‌ها نبود، چرا که به جز تعداد هجاها ویژگی خاص دیگری مورد بررسی قرار نگرفته‌است.

زیر فصل «تأثیرات ایجاد شده به وسیله طول مصرع‌ها» که می‌توانست دارای محتوای جذاب و مثال‌های گویایی باشد کمتر از یک صفحه مطلب دارد و تنها دارای سه مثال کوتاه است و در آن اشاره بسیار گذرایی به این تأثیرات شده است در صورتی که نویسندگان می‌توانستند پس از بررسی انواع مختلف مصرع‌ها مبحث جالبی را در این خصوص با ارائه مثال‌های بارزتر از شعرای شهیر فرانسوی مطرح کنند و بدین ترتیب اهمیت انتخاب انواع مختلف مصرع را بیشتر برای مخاطب مشخص تر کنند.

فصل سوم اثر به «گروه‌های مختلف مصرع‌ها» (strophes) می‌پردازد. نویسندگان در ابتدا به تعریف «بند» و سپس انواع مختلف آن یعنی منظم، نامنظم و مخلوط می‌پردازند. سپس به اندازه‌های همسان و یا مختلف آن‌ها (hétérométrie et étrieIsom) پرداخته می‌شود که در آن ساختار هندسی شعر (افقی و عمودی) مورد بررسی قرار می‌گیرد. در ادامه نام بندهای مختلف بر طبق تعداد مصرع‌هایی که دارا هستند ارائه می‌شود. در این قسمت، این نام‌ها که با حروف لاتین کوچک معرفی شده‌اند و یازده مورد را دربرمی‌گیرد معرفی می‌شوند. فصل بدون نتیجه‌گیری خاصی با مثالی از آخرین مورد بند ۱۲ مصرعی به پایان می‌رسد. تمرین اول ارائه شده برای این فصل بر مبنای شعری ۴ صفحه‌ای از ویکتور هوگو است که تمرین سنگینی به نظر می‌رسد و اشتیاق چندانی در دانشجویان برای انجام آن ایجاد نمی‌کند. تمرین دوم اما به صورت کوتاه‌تر ارائه شده است. شاید بهتر بود نویسندگان ابتدا خود با ارائه یک مثال بارز از شعر فرانسه، استفاده‌های مختلف از این ویژگی شعر فرانسه توسط شعرای فرانسوی و تأثیرات معنایی آن را شرح می‌دادند.

فصل چهارم به قافیه اختصاص دارد و پس از عنوان قافیه‌های مذکر و مؤنث بدون اشاره به طبقه‌بندی خاصی به «الف. تناوب قافیه‌ها» (rimes des Alternance a.) و «ب. عدم تناوب قافیه‌ها» (rimes des alternance-Non b.) پرداخته می‌شود. در میانه این فصل اشاره‌ای به «حالات خاص» می‌شود، اما مشخص نمی‌شود چرا این عنوان پس از عنوان «خلوص قافیه‌ها» و «تنوع قافیه‌ها» ارائه شده است. در خصوص تنوع، تقسیم‌بندی ارائه شده به قول نویسندگان تنها برای کنجکاوی در خصوص استفاده‌های متفاوتی از قافیه که تا به امروز شده‌اند معرفی می‌شود و قانون یا مرجع خاصی برای آن معرفی نمی‌شود.

فصل پنجم به طنین‌ها (sésonorit) اختصاص دارد که به منظور ایجاد تأثیری خاص بر روی گوش یا ایجاد احساسی خاص در خواننده مورد استفاده قرار می‌گیرد. نویسندگان پس از پرداختن به دو مورد تکرار مصوت (assonance) و تکرار صامت (alliteration) به ارزش صامت‌ها و مصوت‌ها در زبان فرانسه می‌پردازند، در صورتی که شاید بهتر بود ابتدا با بررسی صامت‌ها و مصوت‌ها و تسلط بر ارزش‌های آن‌ها به دو مورد ذکر شده پرداخته می‌شد، بدین ترتیب که مخاطب راحت‌تر می‌توانست در مثال‌های ارائه شده در این موارد که کم‌شمار هستند ذوق شعری شاعر را ببیند. در واقع در این فصل نیز مانند بسیاری از فصول مؤلفین بر روی مثال‌های احتمالی اساتید در زمان تدریس این کتاب حساب کرده‌اند و نیازی بر ارائه مثال بیشتر ندیده‌اند.

فصل ششم به آهنگ (rythme) مربوط می‌شود که با مبحث آهنگ تکیه‌ها (rythme Le accents des) شروع می‌شود. در این بخش دو عنوان ناهمگن ارائه شده‌اند: «محل تکیه‌های ثابت» و «تکیه‌های متحرک» که این مورد خود به محل، تعداد و قدرت تقسیم شده است. از سوی دیگر در قسمت «آهنگ مکث‌ها» با سه مورد Enjambement، Rejet و Contre-rejet روبرو هستیم که ابتدا در یک عنوان کلی زیر این قسمت هر سه کلمه ذکر شده‌اند و سپس هر کلمه به صورت جداگانه تحت یک عنوان جداگانه مورد بررسی و معرفی قرار گرفته است. از سوی دیگر پس از توضیح دو مورد دیگر، دوباره به enjambement و موقعیت‌های دیگری که دارد بازگشت می‌شود و به شرح آن‌ها پرداخته می‌شود. شاید بهتر بود عنوان کلی وجود نمی‌داشت و هر کدام از این سه مورد به صورت جداگانه و با توضیحات کامل زیر عنوان «آهنگ مکث‌ها» بررسی می‌شدند. بدین ترتیب نوعی آشفتگی و بی‌نظمی را در این فصل شاهد هستیم که با کمی دقت و مرور بر موارد بیان شده توسط نویسندگان، قابل جلوگیری بود.

فصل هفتم به «ذات شعری» (poésie la de l'essence) اختصاص یافته است که به بلاغت شعری و استفاده‌های زبانی مانند استعاره‌های مختلف در زبان فرانسه می‌پردازد. مخاطب با مواجهه با این فصل تصور می‌کند که پرداختن به شکل و فرم شعر در کتاب پایان یافته است و وارد مباحث محتوایی می‌شویم، در صورتی که با دیدن فصل بعد با عنوان «اشعار با شکل ثابت» (fixe forme à poèmes Les) مشخص می‌شود که این امر صحیح نیست و همچنان در بخش شکل شعر هستیم. بدین ترتیب می‌توان وجاهت جایگاه

این فصل را به چالش کشید. این مورد یکی از ایرادهای اساسی قابل وارد بر اثر است که روانی خوانش فصل‌های کتاب را با مشکل مواجه می‌کند.

فصل هشتم به «اشعار با شکل ثابت» (*fixe forme à poèmes Les*) می‌پردازد و در آن بر خلاف فصول قبل با انجام شماره‌بندی شاهد توضیحات کم و بیش کاملی مربوط به هر نوع شعری (از نظر ظاهری) ولی با مثال‌های عمدتاً طولانی هستیم. در توضیحات مربوط به هر نوع، به قافیه بندی، تعداد سیلاب، تعداد بندهای شعری و نیز شعرایی که به این شکل شعری دارای آثاری هستند به صورت محدود اشاره می‌شود.

فصل نهم به «انواع شعری» (*Genres poétiques*) می‌پردازد که مولفین آن را به دو گروه «انواع اصلی» و «انواع جانبی» تقسیم می‌کنند. با رجوع به دیومد (*Diomède*) سه نوع شعری غنایی، حماسی و نمایشی به عنوان سه نوع اصلی شعر فرانسه معرفی می‌شوند. ابتدا نوع شعر غنایی و زیرشاخه‌های آن مورد بررسی قرار می‌گیرند. در زیر شاخه قصیده (*ode*) مؤلفین به ذکر توضیحاتی مربوط به «شعرای غنایی فرانسه» می‌پردازند و پس از آن مورد دوم شعر غنایی یعنی سرود (*hymne*) می‌پردازند، در صورتی که عنوان «شعرای غنایی فرانسه» می‌بایست پیش از آغاز تقسیم‌بندی و معرفی انواع شعر غنایی وجود می‌داشت. در بخش حماسی (*épopée*) مؤلفین حجم بسیار زیادتری را نسبت به انواع دیگر به توضیح و تاریخچه این مورد پرداخته‌اند و انواع مختلف این شعر را بدون عنوان مجزا بر خلاف دو نوع شعری اصلی دیگر بررسی کرده‌اند. نوع اصلی سوم که نوع نمایشی است حجم بسیار کمتری را به خود اختصاص داده است. در این بخش تقسیم‌بندی بدون ذکر تراژدی و کمدی در تقسیم بندی به درام جدی، رمانتیک و مخلوط انواع پرداخته است. از سوی دیگر اپرا به عنوان یک درام تراژیک یا کمدی معرفی شده است و پس از توضیحی اندک در این مورد به هیچ شاعر و یا اثری از ادبیات فرانسه در این نوع شعری اشاره‌ای نمی‌شود. در صورتی که چنانچه از شعر فرانسه سخن به میان می‌آید و هدف از ذکر انواع شعری، معرفی استفاده از آنان در شعر فرانسه است می‌توانستند به مثال‌هایی از آن اشاره کنند و مخاطب را با آثار شعرای نامداری که از این نوع شعری استفاده کرده‌اند آشنا می‌کردند.

فصل دهم به «اشعار با مصرع آزاد» (*libre vers en poèmes*) اختصاص دارد و در آن به مواردی نظیر نثر شعری (*étiqeprose po*) که به موارد سطح جمله، سطح هجا و سطح صدا تقسیم شده است، که مورد انتقادی خاصی در آن به چشم نمی‌خورد.

### ۳.۳ مسئله تمرکز محتوا و هدف مؤلفین

نوع پردازش به موارد معرفی شده در حدود دو سوم این اثر، آن را به نوعی به اثری برای شناخت ساختار شعری فرانسه تبدیل کرده است. بدین ترتیب که تأکید بسیار بر ساختار شعری، قواعد حاکم بر آن، قافیه‌ها، هجاها و دیگر موارد به گونه‌ای است که بیشتر دانشجویان را با الفبای شعر آشنا می‌سازد تا اینکه بخواهد وی را به دنیای شگفت شعر فرانسوی وارد کند. این مهم را نویسندگان می‌توانستند با مثال‌هایی بیشتر و بررسی ساختار و استفاده استعاره‌ها در چند مثال کامل از آثار شعرای فرانسوی به فهم شعر و ارزش ادبی آنها اشاره کنند. اشاره به جزء جزء این قواعد هر کدام در یک فصل و اختصاص تنها دو فصل به انواع شعر فرانسه این اثر را به کتابی برای دانشجویان تبدیل می‌کند که برای آماده‌سازی خود با هدف گذراندن آزمون این درس مجبورند صرفاً به حفظ کردن این قواعد پردازند. علاوه بر این تمرینات داده شده در پایان هر فصل نیز بر این جنبه اثر تأکید می‌کنند و درسی که می‌تواند با ارائه متون و آثار شعرای بزرگ فرانسوی شوق و بارقه ادبی را در دل مخاطبین روشن کند، عملاً به درسی یکنواخت که به بیان قوانین می‌پردازد تبدیل می‌شود. این نکته که مؤلفین به اساتید توصیه می‌کنند به صورت شخصی به ارائه متون پردازند چندان عملی نیست، چرا که با توجه به حجم کتاب، اجباری بودن مطالعه آن برای گذراندن آزمون کارشناسی ارشد ادبیات فرانسه و تعداد اغلب بالای دانشجویان در کلاس‌ها، اساتید به دشواری زمان آن را خواهند داشت تا علاوه بر تدریس کامل مطالب کتاب به خواندن اشعاری خارج از مطالب کتاب در کلاس نیز پردازند. از طرف دیگر بیان این مطلب که این کتاب منبع درسی برای مطالعه شعر فرانسه در قرن ۱۹ و قرن ۲۰ است نیز با محتوای کتاب سازگار نیست. بدین ترتیب که تنها در دو یا سه فصل از این کتاب به شعر فرانسه در این قرون پرداخته می‌شود. هرچند شناخت قواعد شعری برای درک زیبایی‌ها و ظرافت‌های استفاده شده از سوی شعرا بسیار لازم و ضروری است، اما عدم متناسب بودن حجم این موارد و همانطور که پیشتر اشاره شد ارجاع دهی ناقص به آثاری که قسمت‌هایی از آنها نقل شده‌اند، عملاً فرصت را از مخاطب برای آشنایی با این آثار سلب می‌کند.

### ۴.۳ مراجع استفاده شده

نویسندگان از مراجع نسبتاً متعددی برای نگارش این اثر استفاده کرده‌اند. این آثار متعلق به انتشاراتی‌های دانشگاهی و مطرح فرانسوی هستند، اما با بررسی مراجع درمی‌یابیم که

نگارندگان این اثر مستقیماً به آثار شعرای فرانسوی رجوع نکرده‌اند و بدین ترتیب مثال‌های ارائه شده در این کتاب از منابع دست دوم که اکثراً کتاب‌های تاریخ ادبیات فرانسه هستند و یا مجموعه اشعار چندین شاعر را به صورت گزیده در یک اثر جمع‌آوری کرده‌اند برگرفته شده‌اند. چنین شیوه استفاده از مراجع می‌تواند دست اول بودن نوع نگارش این اثر را کمی به چالش بکشد. از سوی دیگر با توجه به اینکه مؤلفان در ایران دست به نگارش این کتاب زده‌اند و دسترسی چندانی به منابع مختلف در حیطه این موضوع، خصوصاً کتاب آثار شعرای مختلف نداشته‌اند، به نظر می‌رسد این آثار تنها بضاعت منبع علمی آن‌ها بوده‌اند. اما شایسته است خلق چنین آثار درسی که برای چندین سال مواد آموزشی اصلی رشته‌های دانشگاهی هستند در قالب قراردادی با مؤلفین دانشگاهی انجام شود و از سوی وزارت علوم و انتشارات سمت حمایت مالی برای تهیه کتب مرجع به روز و لازم برای نگارش آثار تهیه شود و حتی سفرهای پژوهشی برای منبع‌شناسی و تهیه آن‌ها تقبل شوند. چنین هزینه‌هایی قطعاً با خلق آثار جامع و به روز در راستای مسائل روز علم و فرهنگ در محافل دانشگاهی دنیا به افزایش کارایی تدریس اساتید و یادگیری دانشجویان می‌انجامد و به نحو احسن جبران می‌شود.

#### ۴. نقد رویکرد محتوایی

در مجموع در خصوص محتوای این اثر می‌توان گفت مؤلفان این کتاب با اتخاذ رویکردی بوطیقای به شعر در تلاش برای انتقال فنون شعری به مخاطب در چارچوب تئوری‌های شعری بوده‌اند. چنین رویکردی می‌تواند از سویی در خصوص لزوم شناخت چارچوب شعر فرانسه مورد دفاع باشد، اما تأکید بیش از اندازه بر این چارچوب‌ها این اثر را به نوعی رساله شعرشناسی تبدیل کرده است. حال آن‌که در خصوص شعر فرانسه شاید بتوان با اتخاذ رویکردی زیبایی‌شناسانه به شعر پرداخت. همان‌طور که رنه لاپونته از قول «برخی شاعران» می‌گوید: «شعر تدریس نمی‌شود، شعر شنیده می‌شود، خوانده می‌شود، حس می‌شود، وارد رؤیا می‌شود، زندگی می‌شود، شعر خودش را در اختیار می‌گذارد که کشف شود.» (Labonté, ۱۹۸۰: ۶۸۵) از سوی دیگر برژرون و ریانت معتقدند تدریس شعر می‌بایست با خواندن متون نظم آغاز شود و با مخاطب در این راه باید همراه شد. آن‌ها معتقدند بهترین نوع شعری که می‌توان آن را برای درک زیبایی‌های عالم شعر ارائه کرد آن‌هایی هستند که با تصاویر، صداها و احساس‌ها مخاطب را شگفت‌زده می‌کنند و بنابراین

در انتخاب این متون باید تأمل کرد. (Bergeron & Riente, ۲۰۰۷: ۵۰) در راستای چنین نگاهی بوده است که در هنر منظوم (*poétique Art*) اثر نیکولا بوآلو (Boileau Nicolas) نظریه پرداز شعر در قرن ۱۷ میلادی، یا بخشی به همین نام در اثر درگذشته و پیشتر (*Jadis Naguère et*) از پل ورلن در قرن ۱۹ می‌بینیم که شاعر چارچوب و قواعد شعری را به زیبایی در قالب شعر به مخاطب معرفی می‌کند. اما همانطور که اشاره شد چنین نگاه زیبایی‌شناسانه در این کتاب عملاً وجود ندارد و مخاطب با انبوهی از اصطلاحات شعری روبرو است که در بیداری ذوق و علاقه به شعر موفق نیستند. شاید استدلال شود که دانشجویان در کلاس‌های ادبیات قرون مختلف با شعرا و آثار آن‌ها آشنا شده‌اند، اما اگر چنین دلیلی را قبول کنیم در خصوص درس تئاتر در فرانسه و کتاب تئاتر در فرانسه هم می‌توان چنین استدلالی را ارائه کرد. در صورتی که برخی ادیبان فرانسوی در وجه مختلفی از ادبیات به خلق اثر پرداخته‌اند و آشنایی با تمام انواع آثار آن‌ها در ساعات اختصاص شده درسی تاریخ ادبیات عملاً دشوار است. از سوی دیگر زمانی که به عنوان مثال از آثار کورنی (Corneille) یا راسین (Racine) صحبت می‌شود اغلب تمرکز بر درونمایه آثار و شخصیت‌های تراژدی این ادیبان و روانشناسی آثار آن‌ها است و زیبایی‌شناسی شعر این دو ادیب و دیگر چهره‌های مطرح ادبیات فرانسه در برنامه‌های درسی چندان جایی ندارد، از طرفی زمان کافی برای پرداختن به این موارد نیز وجود ندارد. حال آنکه اختصاص درس و کتابی به انواع شعر در فرانسه می‌توانست فرصت بسیار مطلوبی برای بررسی دقیق‌تر و ویژه‌تر آثار منظوم ادبیات فرانسه باشد، امری که با عدم ارائه متون کافی متأسفانه در این کتاب محقق نشده است. از سوی دیگر نویسندگان این کتاب می‌توانستند پیش از پرداختن به فنون شعر در فصلی مقدماتی نظریاتی در خصوص شعر، رابطه آن با زبان و تحول نگاه به شعر در ادبیات فرانسه را مورد معرفی و بررسی قرار دهند تا سیر تحول نگاه به شعر در ادبیات برای مخاطب مشخص و ذهنش برای دریافت مطالب در خصوص انواع شعری که در طی این تحولات به وجود آمده‌اند آماده شود.

مورد دیگری که در خصوص آن می‌توان بر نویسندگان خرده گرفت ریشه در عنوان کتاب دارد. با سخن از انواع شعر فرانسه مؤلفین مخاطب را تشنه ورود به دنیای شعر فرانسه می‌کنند، اما با آغاز فصول کتاب وی را تا چندین فصل برای شناخت انواع شعر منتظر می‌گذارند. این معضل شاید به دلیل دوجبهی بودن معنی کلمه «نوع» به وجود می‌آید. در واقع مخاطبی که خود را برای آشنایی با قصاید، غزلیات، هجویات و تراژدی، کمدی و



افسانه‌های فرانسوی در قالب شعری آماده می‌کند خود را برابر جزوه‌ای با رویکرد شعرشناسی فرانسه از نقطه نظر ساختاری می‌یابد. صد البته عنوان فرانسوی کتاب جای شبهه را از میان می‌برد، اما این نکته که نام فارسی این کتاب با نام واحد دانشگاهی در رشته زبان و ادبیات فرانسه پیوند خورده است اهمیت این مسئله را آشکار می‌سازد که محتوای کتاب همخوانی چندانی با انتظارات مخاطبین ندارد. نویسندگان می‌توانستند با اختصاص دادن فصل‌هایی به «انواع» شعر نظیر *ode*, *ballade*, *sonnet* و ... نسبت به ارائه توضیحات در خصوص این انواع پردازند و با ارائه مثال‌هایی از مکاتب ادبی و شعرای به‌نام فرانسوی به مخاطب اطلاعاتی در زمینه این بخش‌غنی ادبیات بدهند. البته در یکی از فصل‌های کتاب به صورت گذرا به انواع مختلف شعر اشاره شده است اما اگر قرار است چنین کتابی در رشته ادبیات فرانسه در سطح دانشگاهی تدریس شود شایسته است حجم بیشتری به مطالعه این بخش اختصاص یابد.

از سوی دیگر عدم سخن از شعرای نیمه دوم قرن بیست، آن هم در حالیکه این اثر در سال ۲۰۰۰ میلادی منتشر شده است را شاید بتوان نوعی کم‌لطفی نویسندگان ارزیابی کرد، چرا که مسلماً آن‌ها با آثار این شعرا آشنایی و به آن‌ها دسترسی داشته‌اند و می‌توانستند با صرف اندکی وقت بیشتر کتابی دارای مطالب به روزتر در اختیار مخاطبین قرار دهند. این امر در خصوص کتاب‌های دانشگاهی در ایران بیش از پیش نمود دارد، چرا که برخی از این کتاب‌ها سالیان دراز در دانشگاه‌ها تدریس می‌شوند بدون اینکه مورد بازبینی و ویرایش در جهت افزودن مطالب جدید و یا بر طبق رویکردهای آموزشی جدید قرار گیرند. چنین کاستی‌هایی اساتید را مجبور می‌کند به جای تدریس این کتاب به کتاب‌های انتشارات‌های فرانسوی که در این زمینه متعدد هستند مراجعه کنند.

## ۵. نتیجه‌گیری

کتاب *Versification française et genres poétiques* (انواع شعر فرانسه) نوشته شهناز شاهین و مهوش قویمی، اثری است که به عنوان منبع درس شعر فرانسه برای دوره کارشناسی و آزمون ورودی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فرانسه معرفی شده است. این اثر علی‌رغم برخی جنبه‌های مثبت، دارای ضعف‌های شکلی و محتوایی است. عمده‌ترین مسئله شکلی این اثر در ترتیب‌بندی و عدم همگن بودن مطالب در فصول مختلف و از سوی دیگر در نوع نظام ارجاع‌دهی آن مشاهده می‌شود. این موارد دانشجویان را که نیاز به یک کتاب

درسی با مطالب واضح و مشخص دارند با نوعی سردرگمی مواجه می‌سازد. از نقطه نظر محتوایی، این اثر می‌توانست مطالب بیشتری برای آشنایی با غنای آثار شعرای فرانسوی در اختیار مخاطب بگذارد، در حالیکه تأکید بسیار بر شکل شعر فرانسوی و نحوه ارائه تمرین‌ها از سویی و کم‌حجم بودن محتوای مربوط به شعرا و اشعار فرانسوی از سوی دیگر، این کتاب را به نوعی تبدیل به اثری برای صرفاً آشنایی با ساختار شعر فرانسه کرده‌است. بدین ترتیب رویکرد بوطیقایی نویسندگان به شعر فرانسه از موارد پر چالش این اثر است که علاقه مخاطبان به دنیای شعر فرانسه را بیدار نمی‌کند. بدین ترتیب، این کتاب که از ویرایش دوم آن ۱۵ سال می‌گذرد می‌تواند جای خود را به ویرایشی جدید دهد که این کاستی‌ها را رفع کند و با بهره‌گیری از منابع به روزتر و همچنین معرفی شعرای نیمه دوم قرن بیست و ابتدای قرن بیست و یکم، به نحوی احسن معرف دنیای شعر فرانسوی و پویایی آن باشد.

## پی‌نوشت

۱. <http://www.shmoton.ir/> نقد-کتاب-انواع-شعر-فرانسه\_۴۵۷.html.

## کتاب‌نامه

- Bergeron, Réal. & Raphaël Riente, (2007), « Enseigner la poésie », *Québec français*, no. 147.
- Boileau, Nicolas (1872), *Art poétique*, Paris : Imprimerie générale.
- Labonté, René (1980). « Méthodes d'initiation à la poésie pour jeunes adultes », *The French Review*, vol. 53, no. 5.
- Moore, Will Grayburn (1964), « Poésie de Molière ». In: *Cahiers de l'Association internationale des études françaises*, no. 16.
- Peureux, Guillaume (2013), « Malherbe et le commentaire de poésie au XVII<sup>e</sup> siècle. Commenter et réécrire », *Dix-septième siècle*, vol. 260, no. 3.
- Reynaud-Paligot, Carole (2007), « La poésie surréaliste entre révolte et révolution », *Revue Française d'Histoire des Idées Politiques*, vol. 26, no. 2.
- Rousselot, Jean (1996), *Histoire de la poésie française*, Paris : Presses Universitaires de France.
- Shahin, Shahnaz and Mahvash Ghavimi (2000), *Versification française et genres poétiques*, Téhéran : SAMT.
- Vaillant, Alain (2008), « Le lyrisme du vers syllabique : de Lamartine à Mallarmé », *Romantisme*, vol. 140, no. 2.
- Verlaine, Paul (1884), *Jadis et Naguère*, Paris : Léon vanier.

Viala, Alain (2014), *Le Moyen Âge et la Renaissance*, Paris : Presses Universitaires de France.

